

## خبر

**سرلشکر باقری تأکید کرد**

## لزوم ایجاد صنایع دفاعی مشترک میان کشورهای اسلامی

● ایستنا؛ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با برشمردن شاخص‌های هم‌گرایی و وحدت مسلمانان، بر اهمیت وحدت جهان اسلام در مواجهه با استکبار جهانی و ایجاد صنایع دفاعی مشترک میان کشورهای اسلامی تأکید کرد.
سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در ششمین کنگره جغرافی‌دانان جهان اسلام که در دانشگاه خوارزمی برگزار شد، با اشاره به اهمیت برگزاری این مراسم علمی- پژوهشی افزود: حضور و سخنرانی در این جمع فرهیخته هرچند به شکل غیرحضورى، چه به‌عنوان یک مسئول دفاعی در کشور یا به‌عنوان یک دانش‌آموخته و معلم جغرافیا مایه مباهات این‌جانب است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در تبیین گستره و دربرگیری علم جغرافیا درباره برگزاری این کنگره علمی بین‌المللی گفت: هدف متعالی این کنگره، هرچند برای تمامی اقشار و صنوف در میان نخبگان و دانشمندان کشورهای اسلامی حائز ارزش و اهمیت است؛ اما برای جغرافی‌دانان جهان اسلام دارای اهمیت خاص و فوق‌العاده است؛ چراکه حیطه و تعریف جغرافیا، بسیار فراتر از توصیف و تحلیل صرف پدیده‌های طبیعی و انسانی است. سرلشکر باقری ادامه داد: به گفته استاد ارزشمند جغرافیا، مرحوم دکتر حسین شکوهی، بدون توجه و به‌کارگیری اقتصاد سیاسی و بازساخت جوامع و بدون توجه به ویژگی‌های نظام‌های سیاسی، ارائه نسخه‌های درمان شفابخش برای پیشرفت میسر نخواهد بود و همه اینها با توجه عمیق به عوامل جغرافیایی در جوامع قابل اقدام خواهد بود. او خاطرنشان کرد: به عبارت دیگر، مسئولیت جغرافی‌دانان جهان اسلام بسیار فراتر از مرحله توصیف و تحلیل واقعیات جغرافیایی جهان و کشورهای اسلامی و بلکه ارائه راهکار، برای پیشرفت و هم‌افزایی همه اعضا و کشورهای جهان اسلام است.

## ادامه از صفحه اول

## ازخودبیگانگی در سیاست

پس چندان بیراه نیست اگر بگوییم اینک انبوه مردم همچون کارگران(کارگران سیاسی)، هر بار از سر ضرورت پا به عرصه سیاست به مثابه انتخابات گذاشته‌اند تا وضع موجود را حفظ و در حین حفاظت، آن را به آهستگی به نفع خود اصلاح کنند، اما دست آخر مجلس یازدهم نشان داد مردم درباره نتیجه غایی این نوع روش دچار تردید شده‌اند. آنچه اینک ضروری به نظر می‌رسد، توزیع عادلانه سیاست است. توزیع ارزش و ارزش افزوده سیاست، مگر اینکه دیگر در سیاست به مردم نیاز نداشته باشیم.

## اقتصاد ملی ووظیفه دولت در قطع تحریم‌ها

اینک موضع روشنگرانه مقام معظم رهبری درباره ضرورت افزایش هماهنگی داخلی حجت را بر همگان تمام کرده است. هرچند به نظر می‌رسد مخاطب این جمله ایشان که فرمودند: «اختلافات خود را با مذاکره با یکدیگر حل کنید. مگر نمی‌گویید باید با دنیا مذاکره کرد؟ آیا نمی‌شود با عنصر داخلی مذاکره و اختلافات را حل کرد؟» دولت بود؛ زیرا طرفی که به مذاکره با دنیا تأکید دارد، دولت است. باین‌حال دولت باید با راه‌انداختن گفت‌وگوی ملی و در فرصت زمانی اندکی که تا شروع رسمی زمامداری مستأجر جدید کاخ سفید باقی است، همه نیروهای درگیر را ملزم به رعایت منافع ملی کند. بی‌تردید سخنان اخیر مقام معظم رهبری پایه و بنیانی مرقوص برای گفت‌وگوی ملی حول منافع ملی خواهد بود؛ اگر دولت قدر این فرصت را بداند و اگر رقبای دولت صادقانه به امر ایشان تمکین کنند. ایران در چنده سال گذشته فرصت زیادی را برای رشد و توسعه اقتصادی از دست داده است. خروج کشورمان از بازار نفت بر اثر تشدید تحریم‌ها، خسارتی نیست که بشود با سرعت آن را جبران کرد. محروم‌ماندن کشورمان از درآمد و گردش مالی هگفت صنعت گردشگری، محروم‌ماندن از درآمد هنگفت ترانزیت کالا و مسافر و خطوط انتقال انرژی، عدم توفیق در میدان جذب سرمایه خارجی و ناکارآمدی مناطق آزاد کشورمان به مقایسه با مناطق آزاد کشورهای منطقه، مهاجرت خسارت‌بار نخبگان و دانش‌آموختگان ... و همه و همه فقط بخشی از خسارتی است که در سال‌های گذشته به ملت ایران تحمیل شده است. سوّالی که اینک برای بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران ایران‌دوست و حتی برای بسیاری از شهروندانمان مطرح شده، این است که آیا نمی‌شود رقابت سیاسی و تلاش فلان حزب برای کسب قدرت تا به این حد خسارت به منافع ملی‌مان نزند؟ آیا زمان آن نرسیده که منافع ملی برای همه فعالان سیاسی کشورمان و همه سخنوران صاحب‌تربون به یک خط قرمز مبدل شود؟

# ماندن در استراتژی ۲۰ سال پیش خطای بزرگی است

گفتمان اصلاح‌طلبی دچار ابهام و تناقض است



**۴** در چند وقت اخیر به دلیل افزایش فشارهای اقتصادی بر عموم مردم به نظر می‌رسد که بخشی از طبقه متوسط نیز از نظر طبقاتی به طبقه فرودست تبدیل شده‌اند. آیا اصلاح‌طلبان می‌توانند گفتمانی مشترک با طبقه فرودست برقرار کنند؟ اساسا این گفتمان‌سازی چقدر مورد نیاز است؟

اول باید تأکید کنم که ما یک طبقه متوسط نداریم و چند طبقه متوسط داریم. یک طبقه متوسط سنتی داشتیم که از نظر اقتصادی درآمد متوسط داشت؛ اما از نظر فرهنگی سنتی بود. این بخش از طبقه متوسط تحت تأثیر تغییرات اجتماعی به‌سرعت ضعیف و کوچک شده و خیلی نمودی از آن نمی‌بینیم. برای مثال بازار بخشی از طبقه متوسط سنتی را تشکیل می‌داد؛ اما امروز بچه‌بازاری‌ها آن فرهنگ سنتی را رها کرده و تا حد زیادی سکولار و مدرن شده‌اند و البته از لحاظ اقتصادی هم دیگر گرایش ملی ندارند و با آوردن کالای چینی و امثال آن بنیان اقتصاد ملی را تضعیف کرده‌اند. بخشی از طبقه متوسط هم طبقه متوسط مدرن بود که بیشتر شامل کارکنان بخش دولتی و خصوصی می‌شد. به‌اصطلاح یقه‌سفید بود و بسته به اینکه چقدر در ساختار سیاسی سهم داشته باشد، مواضع متفاوتی دارد؛ اما همان‌طور که اشاره شد، به دلیل تشدید نابرابری در ایران و فعال‌شدن شکاف‌های اجتماعی بخشی از طبقه متوسط که در لب خط فقر قرار داشت، به زیر خط فقر سقوط کرده یا از نظر اقتصادی ناچار به کوچ‌کردن سفره خوانده‌ها و مثلا برای کاهش هزینه مسکن ناچار شده سکونت در مراکز شهرها را رها کند و در حاشیه شهرها ساکن شود و به‌این‌ترتیب از نظر اقتصادی به سمت طبقات فرودست رفته است؛ ولی از نظر فرهنگی خاستگاه خود را از دست نداده و طبیعتا به لحاظ سقوط به زیر خط فقر مطالبات مشترکی با طبقات فرودست هم پیدا کرده است. در اعتراضات آبان

یکی از برجسته‌ترین نمودهای نزدیک‌شدن طبقه متوسط و فرودست را شاهد بودیم. بخش دوم سؤال شما به گفتمان اصلاح‌طلبان اشاره دارد. نکته اول اینکه ما هیچ وقت گفتمان واحدی در اردوی اصلاح‌طلبان نداشته‌ایم.

در مقاطعی برخی در جریان اصلاح‌طلبی هژمونی داشتند؛ اما هیچ‌وقت اصلاح‌طلبی گفتمان واحد نداشت. موفقیت‌ناداشتن شورای عالی اصلاح‌طلبان یا تلاش برای تدوین مانیفست اصلاح‌طلبی

ناشی از همین تکثر و پراکندگی است. به‌علاوه امروز گفتمان اصلاح‌طلبی بیش از هر زمانی دچار ابهام و تناقض و بن‌بست است. گفتمان اصلاح‌طلبی هیچ‌وقت یک چارچوب مشخص نداشت و از جنبه نظری هم اصلاح‌طلبان فاقد بنیه کافی برای تبیین چارچوب نظری‌شان بودند. در جریان اصلاح‌طلبی ترکیبی از لیبرال تا سوسیال، از محافظه‌کار نزدیک به اصولگرا تا رادیکال متمایل به ملی-مذهبی را می‌بینیم. از سوی دیگر بن‌بست اساسی، بن‌بست سیاسی و استراتژیک اصلاح‌طلبی و مشی رفرمیستی است که در یک فرایند بیش از ۲۰ سال نشان داده پاسخ مناسبی برای حل مسائل جامعه ایران ندارد. این گفتمان دچار بحران است و قادر نیست با زبان مشخصی با طبقات جامعه گفت‌وگو کند. به نظر من آنچه از اصلاح‌طلبی باقی مانده، مشی خشونت‌پرهیز آن است؛ چیزی که تقریبا در بین نیروهای اجتماعی ایران مشترک است. درواقع تنها مؤلفه اصلاح‌طلبی که امروز می‌شود از آن دفاع کرد، خشونت‌پرهیزی و دنبال‌کردن تغییرات با مشی خشونت‌پرهیز است؛ اما اگر اصلاح‌طلبان بخواهند به‌صورت جامع مؤلفه‌ها و مختصاتشان را تعریف کنند، با مشکلات جدی در مواضع اقتصادی، مواضع استراتژیک و چشم‌انداز روبه‌رو می‌شوند. متأسفانه به نظر می‌رسد مرجعیت آقای خاتمی هم تا حدی در میان اصلاح‌طلبان و جامعه ایران کاهش یافته و البته مسئولیت این وضعیت تا حدود زیادی متوجه عملکرد خودشان و مشاوران و کسان

## سیاست

گفت‌وگو با سعید مدنی

# ۲۰ سال پیش خطای بزرگی است

خط فقر سقوط کرده است، ولی از نظر سیاسی و فرهنگی دغدغه‌های خاص خودش را دارد. حالا در مواجهه با این وضعیت از چه موضعی می‌خواهید به سؤال چه باید کرد پاسخ دهید؟ آیا از موضع یک کنشگر سیاسی یا از موضع یک دولت ضعیف، بی‌سواد و ورشکسته مثل دولت مستقر یا... . هرکدام از اینها پاسخ‌های متفاوتی به سؤال شما می‌دهند. از دولت نیز با نگاه نولیبرال به مسائل ایران که خالی از هرگونه ارزش علمی و تحلیلی است، با ترکیبی از مشاوران اقتصادی ژورنالیست با نازل‌ترین دانش اقتصادی انتظار راه‌حل خطاست.

**۴ طبقه متوسط در گذشته مسیر اصلاح‌طلبی به معنای دقیق کلمه را مسیر خود تلقی می‌کرد؛ آیا در سال‌های اخیر دغدغه آنها همان خواسته گذشته است؟ و آیا اصلاح‌طلبان توانسته‌اند خود را با خواسته‌های امروز طبقه متوسط منطبق کنند؟**

در پیش‌فرض این سؤال، خطای تحلیلی و ابهام جدی وجود دارد. گرایش‌های مختلفی درون طبقه متوسط وجود دارد. اصلاح‌طلبان هم هیچ‌وقت به معنای واقعی کلمه دنبال پایگاه اجتماعی نبوده‌اند تا بخواهند سخنگوی طبقه متوسط باشند؛ زیرا مبنای پیشبرد استراتژی‌شان، گفت‌وگو با اصلاح‌طلبان بتواند گفتمان اصلاح‌طلبی را متناسب با شرایط امروز ایران نوسازی و بازتعریف کند. اصلاح‌طلبان طبقی امروز میرم‌ترین و ضروری‌ترین مسئله اصلاح‌طلبان است. شرایط خرداد ۱۳۷۶ شرایط خرداد ۱۴۰۰ بسیار متفاوت است و اگر نیرویی بخواهد با همان تصور سال ۷۶ از جامعه ایران و صفت‌بندی نیروها و نظام حکمرانی وارد انتخابات شود، باید گفت که سرنوشتی مثل اصحاب کفیف خواهد داشت و باید برگردد به غار و به خواب ابدی برود. هیچ‌کدام از منطق‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و گذار دموکراتیک در میان اصلاح‌طلبان تغییرات اساسی در نیروهای اجتماعی و نظام حکمرانی ایجاد شده که همه اینها نیازمند بازبینی از سوی اصلاح‌طلبان است. البته نمودهایی از تجدیدنظر و بازبینی برخی اصلاح‌طلبان در این مسیر می‌بینیم. مثلا کاربرد ادبیات اصلاح ساختار، تحول‌طلبی و گذار دموکراتیک در میان اصلاح‌طلبان رایج‌تر شده است که می‌تواند یک گام رو به جلو برای اصلاح‌طلبان باشد.

**۴ گفته می‌شود با توجه به شرایط اقتصادی این روزهای کشور، طبقه جدیدی ایجاد شده است؛ طبقه متوسط منزلی که این روزها هویت همینان در طبقه متوسط است اما از نظر شکل زندگی شرایط طبقه فرودست را تجربه می‌کند. به معنای دیگر، امثال ما روزنامه‌نگاران که هنوز دغدغه توسعه سیاسی و فرهنگی با خود داریم اما شکل زندگی‌مان شبیه طبقه فرودست است. در اوایل گزاره به نظر شما صحیح است؟ در مواجهه با آن چه باید کرد؟**

به نظر من این گزاره صحیح است؛ همان‌طورکه گفتم، به دلیل تعمیق شکاف نابرابری با ضریب چینی ۴۳صدم و فاصله هزینه ۱۰ دهک بالایی به پایینی که حدود ۱۵، ۱۴ برابر است و

خیلی دلایل دیگر، شکاف طبقاتی در جامعه ایران به‌شدت عمیق شده است. در چنین شرایطی طبقات میانی یا همان طبقه متوسط تاب‌آوری لازم را برای باقی‌ماندن در وضعیت خودش نداشته و بنابراین بخش‌هایی از آن دائم در حال سقوط به سمت خط فقر یا حتی زیر خط

فقر هستند. در کتاب آتش خاموش هم با اشاره به اطلاعات موجود، نشان داده شده که از نظر بخش طبقه متوسط که دائم قدرت خریدش کاهش پیدا کرده، برای اینکه بتواند خودش را بالای خط فقر نگه دارد، ناچار شده هزینه مسکن را که بخش درخورتوجهی از هزینه‌هاست از طریق مهاجرت به محلات حاشیه‌ای یا جنوب شهر کاهش دهد تا بتواند به بقای خودش ادامه دهد. به این اعتبار شواهد مبنی بر اینکه جامعه ایران و مخصوصا طبقات فقیر روبه‌روز قدرت خریدشان کاهش پیدا می‌کند، وجود دارد. در مطالعات نشان داده شده یک‌درصد افزایش نرخ تورم در دهک اول تا چهارم حدود ۲۰۰ هزار تومان خسارت، در دهک پنجم تا هفتم که طبقه متوسط است ۲۷۰ هزار تومان و دهک هشتم تا دهم ۴۰۰ هزار تومان خسارت به بار می‌آورد؛ به خاطر همین در بهار سال ۹۹ فقط به دلیل نرخ تورم بالا طبقات فرودست به‌طور متوسط ۱۳ میلیون تومان، طبقه متوسط ۱۷ میلیون تومان و طبقات بالادست ۲۵ میلیون تومان خسارت دیده‌اند. نکته مهم اینجاست که ارزش ۱۳ میلیون تومان طبقات فرودست معادل بیشتر از نیمی از درآمدشان بوده اما ارزش ۲۵ میلیون تومان برای طبقات پردرآمد سهم ناچیزی از درآمدشان است، به‌رحال خسارت وارده‌به دهک پنجم تا هفتم باعث سقوط آنها به طبقه فرودست شده است. بنابراین به نظر می‌رسد بخش بزرگی از طبقه متوسط از جهت اقتصادی خودشان و مشاوران و کسان

خط فقر سقوط کرده است، ولی از نظر سیاسی و فرهنگی دغدغه‌های خاص خودش را دارد. حالا در مواجهه با این وضعیت از چه موضعی می‌خواهید به سؤال چه باید کرد پاسخ دهید؟ آیا از موضع یک کنشگر سیاسی یا از موضع یک دولت ضعیف، بی‌سواد و ورشکسته مثل دولت مستقر یا... . هرکدام از اینها پاسخ‌های متفاوتی به سؤال شما می‌دهند. از دولت نیز با نگاه نولیبرال به مسائل ایران که خالی از هرگونه ارزش علمی و تحلیلی است، با ترکیبی از مشاوران اقتصادی ژورنالیست با نازل‌ترین دانش اقتصادی انتظار راه‌حل خطاست.

**۴ طبقه متوسط در گذشته مسیر اصلاح‌طلبی**

## سال هجدهم • شماره ۳۸۹۳ روتاد شرق

## رئیس مجلس: آمده‌ایم دولت را وادار به کار کنیم نامه قالیباف به روحانی برای اصلاح بودجه

● شرق؛ محمدباقر قالیباف به حسن روحانی نامه نوشته تا بودجه سال آینده را که آخرین بودجه تقدیمی «دولت تدبیر و امید» به مجلس است، اصلاح کند. رحیم زارع، عضو کمیسیون تلفیق، این خبر را اعلام کرده و گفته بعد از ابلاغیه ۲۳ آذرماه مقام معظم رهبری به دولت مبنی بر استفاده حداقلسی از منابع نفتی برای هزینه‌های جاری، منابع و مصارف لایحه بودجه ۱۴۰۰ دچار تغییرات عمده‌ای شده که بر همین اساس رئیس مجلس نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور نوشته و مطابق اصل ۵۲ قانون اساسی، اصلاحات لایحه بودجه دولت را مطالبه کرده تا بودجه با درآمدهای پایدار، حداقل وابستگی به نفت و اصلاحات ساختاری بودجه ارائه شود. بودجه ۱۴۰۰، در حال حاضر مهم‌ترین چالش میان دولت دوازدهم و مجلس یازدهم است؛ دو قوه‌ای که اختلافات میان رؤسای آن ازطهرن‌الشمس است و هیچ تریبونی را برای انتقاد از یکدیگر از دست نمی‌دهند. قالیباف روز چهارشنبه در نشست رؤسای جماع نمایندگان استانی شرکت کرد و صراحتا گفت هنگام ورود به مجلس به ملت قول دادیم که تلاش خواهیم کرد تا دولت را به فراخور موضوعات مختلف وادار به کار کنیم و این وظیفه مجلس است. او همچنین به بودجه ۱۴۰۰ اشاره کرد و گفت با رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس گفت‌وگوهای مفصلی انجام شده است. قالیباف عنوان کرد این لایحه دارای اشکالات فراوان و اساسی است؛ مثلا لایحه خلاف برنامه پنج‌ساله و سیاست‌های کلان است. او همچنین «وابستگی به نفت»، «هزینه‌ها بالا»، «پای‌نودن میزان تحقق درآمدها» و «تعهدات بسیار بالا» را از دیگر اشکالات این لایحه دانسته است. رئیس مجلس گفته باید حداقل دو ماه به صورت مداوم و شبانه‌روزی کار کرد تا اصلاحات لازم انجام شود.

**بودجه ۱۴۰۰ بر اساس واقعیت است**

روحانی اما روز دوشنبه در نشست خبری خود از آخرین بودجه دولتش دفاع کرده و گفته بود: «ما برای بودجه نقطه ضعف قائل نیستیم. بودجه ما نقطه قوت دارد. آنان که دنبال نقطه ضعف آن هستند، بروند و اینها را پیدا کنند. این بودجه برای اقشار فرودست و برای جامعه سودمند است. بودجه بسیار خوب است و از اینجا به بعد دیگر در اختیار مجلس است که چگونه تصمیم‌گیری کند».

او گفته بود: «بودجه ۱۴۰۰ به‌بترین صورت تنظیم شده است؛ البته اگر کسی اشکالاتی وارد می‌کند، حق دارد که اشکال خود را اعلام کند. در بودجه سال آینده علی‌رغم اینکه در ظاهر آن فروش نفت بیشتری دیده می‌شود، اما بودجه جاری کشور متکی به درآمد نفتی نیست. این تولید نفت در راه توسعه کشور و توانمندسازی اقشار محروم مصرف خواهد شد؛ بنابراین ما مشکلی در بودجه نمی‌بینیم».

از انتقاداتی که نمایندگان مجلس به بودجه وارد می‌کنند، این است که دولت مینا را بر بازگشت آمریکا به برجام گذاشته و بودجه را بر اساس فروش بالای نفت بسته است، اما رئیس‌جمهور چنین نظری ندارد: «چه آمریکا به برجام برگردد یا برنگردد و چه تحریم برداشته شود یا نشود، این بودجه یقینی است و در شش ماه اول دومیلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت می‌فروشیم، اینکه بگوییم ما به این تصمیم درباره فروش نفت برای دولت بعدی مشکل درست کردیم، این حرف‌ها را از ذهن‌تان بیرون کنید».

او ادامه داد: «ما با کسی شوخی نمی‌کنیم که می‌گوییم فروش نفت ما آن‌قدر است، اگر تحریم‌ها برداشته نشود، ما هر مقدار را که در شش‌ماهه دوم سال ۹۵ فروختیم، خواهیم فروخت. ما فروش نفت‌مان در صورت برداشته‌شدن تحریم‌ها که آن‌قدر نخواهد بود، بیشتر خواهد شد و به دومیلیون و ۸۰۰ هزار بشکه و همان اندازه‌ای می‌رسد که در شش ماه دوم سال ۹۵ بود».

روحانی فرصت را غنیمت شمرده، طعنه‌ای نیز به رئیس دولت قبیل زده و گفته: «من از ابتدای انقلاب و نهضت حضور داشتم و از ابتدای نظام در درون آن مسئولیت داشته‌ام. من که آن کسی نیستم که بیایم و هشت سال رئیس‌جمهوری شوم و بعد بروم با این و آن مواجهم کنم. من برای نظام مهم است و کلیت کشور اهمیت دارد. این می‌گوید برای دولت بعدی مشکل‌ساز می‌شود، چنین نیست. ما نه دولت بعدی که آینده کشور و نظام را می‌بینیم، در هر حال کمیسیون‌های تخصصی مجلس، این هفته بعد از بررسی مواد ارجاعی لایحه بودجه ۱۴۰۰ جمع‌بندی نهایی خود را اعلام خواهند کرد و باید منتظر مانیم تا مهم‌ترین چالشش بین دولت و مجلس به کجا ختم خواهد شد. بودجه‌ای که به گفته سخنگوی دولت عدم تصویب کلیات آن یعنی بی‌برنامگی چهارماهه و بلاکلیفی دستگاه‌ها برای اقدامات عمرانی در کسر اول سال بعد.